



اسرای هفت تپه و سازمان جهانی کار

خالد حاج محمدی

حکمتیستی هفتگی
۲۶۰

۱۰ ژوئن ۲۰۱۹ - ۲۰ خرداد ۱۳۹۸
دوشنبه ها منتشر میشود

در حاشیه رویدادهای هفته

امان کفا

کارگران ایتالیا و فرانسه در دفاع از مردم یمن

با وجود اعتراض عمومی علیه جنگ در یمن، در ماه گذشته ترامپ قرار قطع همکاری آمریکا با عربستان، را وتو کرد. در عین حال، عربستان و امارات، با افزایش تحریم های خود بر یمن، حتی ارسال امکانات بهداشتی و دارو را به بخش وسیعی از مردم محتاج این کشور را، محدود کرده اند. تهدیدی که بنا بر گزارشات تا به امروز، به قربانی شدن صدها هزار نفر در درمانگاه های یمن انجامیده است، و ده ها هزار بیمار دیگر را در خطر مرگ قرار داده است. امروز، جنگ کور در یمن، جنگی که میلیون ها نفر را قربانی رقابت های جهانی و منطقه ای، کرده است، همچنان در جریان است. اما، نه تنها این مردم و زندگی و آینده آنان برای دول رقیب و درگیر جایی ندارد، علیرغم اشک تمساحشان برای مردم بیگناه یمن و "محکوم کردن" های لفظی شان کماکان به فروش سلاح به عربستان ادامه می دهند. در زمانی که در تمامی جلسات سازمان های اتحادیه اروپا و سازمان ملل و... هیچ اقدام عملی و موثری برای قطع این جنگ و پایان دادن به این کشتار دستجمعی در یمن انجام نمیگیرد، این بار، کارگران بارانداز در فرانسه و ایتالیا هستند که با جلوگیری از بار اسلحه به مقصد عربستان صدای اعتراض بشریت آگاه و دفاع از زندگی مردم یمن شدند.

کارگران ایتالیا، بدنیا اقدام کارگران بارانداز فرانسه در بندر هاور که ماه گذشته با عدم بارزدن سلاح هایی که دولت فرانسه به عربستان فروخته بود، از بارزدن محموله های سلاح و مهمات ممانعت کردند. دولت فرانسه و مقامات عربستان، در ابتدا اعلام کرده بودند که کشتی حامل توپهای جنگی قرار است به بندر دیگری در فرانسه برده شود. اما این کشتی در بندر دوم لنگر نیانداخت و برای تحویل گرفتن مهمات بیشتر به سمت ایتالیا رفت. این بار، باراندازان بندر جنوا، به فوریت دست به اعتصاب زده و اعلام داشتند که تا زمانی که این کشتی در بندر قرار دارد، دست

روز ۱۵ خرداد ماه جمعی از به زندانی بودن و شکنجه نماینده کارگران هفت تپه طی نامه ای به خود اسماعیل بخشی، سپیده قلیان که: "بدینوسیله گزارش مختصر و سازمان جهانی کار، از جمهوری به عنوان حامی کارگران هفت تپه، شکایت رسمی خود به شما برای اسلامی به عنوان عضو این سازمان، به فشارهای وارده به علی نجاتی بررسی و محکوم کردن دولت ایران بدلیل سرکوب کارگران هفت تپه، عضو هیئت مدیره سندیکا و به علت نقض آشکار حقوق بدیهی نمایندگان و حامیان آنها، شکایت دستگیری و زندانی کردن و شکنجه کارگران در ایجاد تشکلات مستقل کرده اند. کارگران هفت تپه در این ساناز الهیاری، امیر حسین محمدی کارگری و نیز سرکوب آزادی تجمع نامه به پاره ای از اقدامات فر و امیر امیرقلی که هنوز در و انتخاب نماینده و سرکوبگرانه جمهوری اسلامی علیه زندانند و بعلاوه بازداشت و فعالان کارگری به کارگران در ایران و مشخصا کارگران فشارهای این مدت بر عسل خصوص در شرکت کشت و صنعت هفت تپه پرداخته و خواهان محمدی که همگی از اعضای هیئت نیشکر هفت تپه را اعلام و ثبت رسیدگی این سازمان به این شکایت تحریریه نشریه گام هستند، پرداخته میکنیم."

شکایت نامه کارگران هفت تپه شده اند. کارگران هفت تپه از جمله اند.

صفحه ۴

گزارش تجمع اعتراضی لندن برای آزادی کارگران و زندانیان سیاسی



دو اتفاق تاریخی!

مظفر محمدی

اتفاقاتی که امروز در ایران می افتد، بی جوابی اقتصادی جامعه ایران را آمریکا و ایران، که بسیار محتمل برای کمونیست ها و طبقه کارگر به فلاکت کشانده است. است، افق آنها کاملا کور شده است. بسیار آموزنده و ارزشمند است. از یک طرف حاکمیت جمهوری در مورد موقعیت بورژوازی که بحث اسلامی است که نگاهش به قدرت کارگر و زحمتکشان اتفاق دیگری اصلی من اینجا نیست، مقدماتا نه پاسخ سیاسی و اقتصادی جامعه افتاده و در حال پیشروی است. بگویم، بورژوازی ایران در حاکمیت بلکه، تماما بر سر حفظ نیروهای صفوف طبقه کارگر و متحدینش و اپوزیسیون در رقابت با همدیگر بر نیابتی (حوزه ی مقاومت) در منطقه مدام خودآگاه تر، فشرده تر و سر قدرت و ثروت تا کنون راه خود سرمایه گذاری و آن را چه در رابطه صاحب رهبری و افق سیاسی و را پیموده است. جناح اصولگرا، با مردم و چه آمریکا و متحدینش در اتحاد و سازمان مستقل خود می جنبش اصلاحات، سبز و حواشی منطقه، ضامن بقای خود می داند. شود. آنها از جمله، ملی مذهبی، لیبرال، به مردم می گوید برای سرکوب، در این بخش جامعه دو اتفاق مهم دمکرات پروغرب، برانداز مشروط و حشد شعبی و حزب الله و فاطمیون افتاده است: غیره، اگر چه هر کدام ظاهرا و زینبیون و القاعده و طالبان و غیره ۱- پس از اعتصابات پیروزمند دو هویتها و تشکل های سیاسی معینی را هم دارد. مرکز صنعتی کارگری بزرگ، هفت دارند، اما نه دارای افق سیاسی و نه از طرف دیگر اپوزیسیون بورژوازی تپه و فولاد، طبقه کارگر به مثابه راه حل اقتصادی برای جامعه ایران است که به تهدید و تحریم های طبقه، سر جامعه را به طرف خود با یا بدون جمهوری اسلامی هستند. آمریکا آویزان شده است. و هر چرخانده است. این دو اعتصاب نه این را چهار دهه تاریخ کنونی ایران اتفاقی در این زمینه، موجب تنها برای خود طبقه کارگر بلکه نشان داده و به اثبات رسانده است. امیدواری یا یاس آنها است. در حال برای کل زحمتکشان و محرومان نتیجه ی این بی افقی سیاسی و حاضر با توجه به دورنمای مذاکرات

صفحه ۳

آزادی
برابری
حکومت کارگری

اسرای هفت تپه

اطلاعات و پرونده سازی و وصل کردن نمایندگان کارگری و حامیانشان به احزاب چپ و سرنگونی طلب را تکرار میکنند، را دارند. شکایت کارگران هفت تپه ادعاینامه ای علیه این طیف نان به نرخ روز خور، ادعاینامه علیه پرونده سازی مشترک وزارت اطلاعات و این طیف نیز هست!

فشارهای جمهوری اسلامی و همه اقدامات بی شرمانه آنها، همه تهدید و ارباب این مدت بر زندانیان هفت تپه و فولاد، شکنجه سخنگویان و حامیان کارگران این مراکز، قرار بود ترس و تسلیم را به جای حق طلبی کارگری در میان جمهوری اسلامی در اشکال دیگری را نشان میدهد. شکایتی که سازمان جهانی کار را اینبار مستقیماً تحت فشار قرار میدهد. شکایت از جمهوری اسلامی جوابی است به عرو و تیز وزارت اطلاعات و "کارشناسان مسائل کارگری" آنها در اعلام پایان و شکست مبارزه شان برای رفاه و آزادی. این اقدام کارگران هفت تپه، اعلام ایستادگی آنها در مقابل سرمایه دارن و حاکمین بر جامعه است.

کارگران هفت تپه و فولاد در این دوره در دل جدالی همه جانبه با سرمایه داران و دولت حامی شان، در دفاع از خواست و مطالبات خود، علیه استثمار و بردگی خود و هم طبقه ای هایشان به میدان آمدند و به دنیا نشان دادند که طبقه کارگر ایران فقر، بی حقوقی، بیکاری همراه با زردی و چپاول بالایی ها را بیش از این تحمل نمیکند. ایستادگی این عزیزان در میان هاله ای بزرگ از حمایت کارگران و مردم عدالتخواه در شوش و اهواز، در مراکز کارگری و ...، یک بار دیگر حق طلبی یک طبقه، و گوشه ای از قدرت و توان این طبقه را به همه نشان داد و حاکمان و چپاولگران را همه جانبه به جدال طلبید. در این جدال اما طبقه کارگر در مقابل خود علاوه بر سرکوب، اخراج و گرو گرفتن نان شب خانواده ها، دستگیری و شکنجه نمایندگان کارگری، پرونده سازی و "طرح های سوخته" وزارت اطلاعات علیه فعالین کارگری و حامیان شان، با مشتت عناصر ضد کارگر و فرصت طلب، که تابلوی "شکست هفت تپه و فولاد" را بلند کرده و خزعبلات و وزارت

در حاشیه

"تضمین امنیت ملی" را گرفت و دستگیری رهبران اعتراضات اجتماعی جای "آزادی سیاسی" را گرفت!

در تمام این مدت اتحادیه کشورهای عرب، به تجلیل از دولت نظامی ادامه دادند، نهایت اعتراض شان تقاضای اخراج سودان از اتحادیه کشورهای افریقای بود. چین و روسیه به رقابتی جهانی شان هشدار "عدم دخالت در مسائل داخلی" سودان را دادند و حتی محکومیت کشتارها در سودان را وتو کردند. آمریکا و اروپا، "برخورد انتقادی" را کافی دانستند. سران ارتجاع جهانی در کنار ارتجاع منطقه ای بر کشتار مردمی که برای آزادی و رفاه دیکتاتوری را به زیر کشیدند مهر تأیید زدند. ظاهراً قرار است مبارزه مردم سودان برای خلاشی از فقر و فلاکت و استبداد مانند مبارزه مردم سوریه دستمایه تسویه حساب ارتجاع منطقه ای و جهانی شود.

این دنیای وارونه را باید از اساس بهم ریخت و دوباره آنرا ساخت. اعتراض کارگران بند در ایتالیا و فرانسه نوید دهنده تحرک طبقه و جنبشی است که میتواند دنیایی انسانی، آزاد، برابر و بهتر را به ارمغان بیاورد.

جنایت ارتجاع در سودان

سرکوب و کشتار مردم در سودان، نمونه دیگری از توحشی است که اینبار در شمال افریقا به راه افتاده است. ارتش سودان برای جلوگیری از گسترش و تعمیق اعتراضات وسیعی که حدود سه ماه پیش به سقوط دولت البشیر انجامید، بروی کار آمد. ژنرال احمد بن عوف همان زمان سعی کرد که سقوط دولت البشیر را نه نتیجه اعتراضات وسیع در این کشور، بلکه ناشی از "هشیاری ارتش" برای جلوگیری از "هرج و مرج" و "نابسامانی" سودان جلوه دهد. او همچنین اعلام داشت که ارتش دولت انتقالی را جایگزین کرده تا "گذار به دموکراسی" را در طی پروسه ای دوساله ممکن سازد. اما اعتراضات مردم علیه حکومت نظامیان کماکان ادامه یافت. این واقعیت که دولت نظامی اینبار با کمک های مالی عربستان سعودی قدرت را بدست گرفته است، صحت خود را در مدت بسیار کوتاهی نشان داد. همه پوچی وعده های "آزادی همگانی"، "آزادی فعالیت سیاسی" و "پایان دوره ناامنی اقتصادی" و غیره، را در سطح جامعه دیدند. سرکوب همه جانبه اعتراضات مردمی وظیفه ای بود که دولت نظامی از همان ابتدا در دستور خود قرار داده بود. ممنوعیت حضور خبرنگاران در این کشور (البته بغیر از میدیای عربستان سعودی) جای وعده های "آزادی مطبوعات" را گرفت. سرکوب هرگونه اعتراض در محیط های کار، جای

حکمتت را بخوانید

آزادپنخ کنید

و بدست کمونیستها

برسانید

نه قومی، نه مذهبی، زنده باد هویت انسانی

دو اتفاق تاریخی!

موضعگیری سیاسی آنها. موضعگیری منتفی شود. بلکه به دلیل شرایط معیشتی سیاسی هم از درون و از دل همین چند ده ساله که مدام به ضرر این اکثریت خواستهای معیشتی است که بیرون می زند، نه در ذهنیت فعالین کارگری یا معلمی یا دانشجویی بعنوان اصناف جدا از هم و با منافع متفاوت. وقتی مطالبات یکی است، همبستگی و یکپارچگی جنبش‌ها ی اجتماعی و طبقاتی بیشتر می شود.

این یک تحول طبقاتی بر پایه خواستهای مشترک و شرایط اقتصادی و معیشتی این بخش اکثریت جامعه است. شکی نیست تجارب تاریخی مبارزه ی طبقاتی، عنصر آگاهی، کمونیسم و مارکسیسم و ضرورت اتحاد کارگران و ... جای خود دارد و قابل انکار نیست. اما این تاثیرات بر متن اتفاقی است که در ایران افتاده است. و آن شرایط معیشتی و همسرنوشتی و در نتیجه ی تعرض سرمایه به نیروی کار و مزدبگیران و تحمیل فقر و فلاکتی است که خواستهای این اکثریت را بهم گره زده و یکی کرده است. جنبش اصلاحات نتوانست سطح معیشت بخشی از این اکثریت را بهبود بخشیده، بطرف خود بکشد و قطبی مرفه و متوسط بوجود آورد و توهم ایجاد کند.

اکنون با وجود جنبش‌های متعین و مستقل مانند جنبش کارگران، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان، زنان و...، اما شرایط اقتصادی و فقر و محرومیت شدید، این جنبش‌ها را به درجه زیادی به هم نزدیک، هماهنگ، همبسته و یک کاسه کرده است. و اعتصابات شکوهمند اخیر، طبقه کارگر را در راس این جنبش‌ها قرار داده است.

شعار "کارگر، معلم، دانشجو، اتحاد اتحاد" ، شعاری نیست که از بالا و در ذهن کسی به این جنبش‌ها تزریق شده باشد. واقعیت این است که وقتی خواستهای یکی می شود، و طرف حساب ولو کارفرماهای خصوصی و یا دولتی معین اما اساسا دولت است، در نتیجه، اتحاد هم ناگزیر می شود. این اتحاد دیگر یک شعار نیست. یک اقدام و عمل مدام آگاهانه و طبقاتی است. نه تنها بر سر یک خواست مشترک مقطعی، مثل شعار آزادی این و آن زندانی کارگر و معلم و دیگر فعالین سیاسی که بعد از آزادی، خواست مشترک و اتحاد

جامعه نشان داد که طبقه کارگر کیفیت و ظرفیت رهبری و بهم پیوستن جنبش‌های اجتماعی را دارد. نشان داد که پس از خیزش دیمه ۹۶، طبقه کارگر قدرت تکان دادن جامعه و لرزاندن پشت بورژوازی حاکم را دارد.

معمولا در صفوف چپ و با تاسی از انقلاب ۵۷ گفته می شود که مردم به خیابان‌ها می ریزند و تظاهرات و قیام‌های پشت سر هم راه می اندازند و طبقه کارگر دست آخر می آید... اما این مثال تاریخی، دیگر حتی یک فرضیه هم نیست. طبقه کارگر ایران از انقلاب ۵۷ تا کنون، اولاً موقعیت بسیار قدرتمند و عظیمی در تولید و خدمات و دیگر عرصه‌های جامعه دارد و دوماً تجارب عظیمی را کسب کرده است. هزاران اعتصاب بزرگ و کوچک را سازمان داده، تشکلهای متعددی را پشت سر نهاده، شوراها ی اسلامی را به زباله دانی ریخته، تشکل‌های صنفی دولتی را دور زده و چه بسا با همین نام تشکل صنفی و قانونی اما، نوع و کیفیت دیگری از اتحاد و سازمان را بوجود آورده و همزمان سندیکاها و تشکل‌های مستقل و هیاتهای نمایندگی را برای پیشبرد مبارزات خود سازمان داده است.

و بعنوان نقطه عطف، شکل شورایی سازمان کارگری و مردمی را پیش کشیده و با برگزاری مجامع عمومی کارگری و تصمیم گیری جمعی و دخالت توده‌ای کارگران، در واقع گام مهمی در جهت تشکل شورایی برداشته است.

۲- بین طبقه کارگر و دیگر بخشهای زحمتکش جامعه در میان معلمان، بازنشستگان، دانشجویان، پرستاران و دیگر محرومان جامعه اتحاد و همبستگی قابل توجهی بوجود آمده است. این طلیعه ی یک صف بندی طبقاتی وسیع و مبارزه گسترده ی طبقاتی علیه نظام سرمایه داری در ایران است.

این یک اتفاق نظری نیست. همبستگی و اتحاد این بخشهای کارگر و زحمتکشان جامعه در نتیجه ی یک توافق نظری و سیاسی با هم و از بالا بوجود نیامده است. وضعیت معیشتی است که جایگاه جنبش‌ها را تعیین کرده و می کند نه

رود تا مسیر را تعیین و مبارزه طبقاتی را که عملاً در خواستهای مشترک، وضعیت معیشتی فلاکتبار، فشار سیاسی و سرکوب وجود دارد، گامی جلوتر برده و صف بندی گسترده تر و محکم تر و قدرتمند تری بوجود آورد.

شکی نیست که رهبران بزرگ آتی جنبش‌های کارگران، معلمان، دانشجویان و غیره در آینده همین طیف خواهند بود. طیف و صف کارگران، معلمان، زنان و دانشجویان سوسیالیست و آزادیخواه و برابری طلب. پیشروی این جنبش‌ها و پیروزی در بدست آوردن خواستهای اقتصادی و سیاسی در گرو ظرفیت و گستردگی و نفوذ بیشتر و محکم تر این طیف و صف فعالین کارگری، در برگزاری مجامع عمومی، شوراها ی کارگری، موضعگیریهای سیاسی روشن و بویژه تاکید بر همبستگی طبقاتی است که اکنون خوشبختانه در جریان است.

مبارزه طبقاتی در ایران، موقعیت جدید طبقه کارگر و همبستگی و همسرنوشتی طبقاتی به صورتی که معلم، دانشجو، بازنشسته وزن هم خود را کارگر و متعلق در شرایط کنونی و در صفوف مبارزه اقتصادی و برای آزادی، اتفاق دیگری که افتاده است این است که اگر رهبری تشکل‌های صنفی چه کارگری و چه معلمان و بازنشستگان و دانشجویان، هنوز به آن درجه از وحدت و همگونی فکری و آگاهی طبقاتی نرسیده اند که یک رهبری منسجم و محکم و قدرتمند را تأمین کنند، اما عامل هل دادن و به حرکت در آوردن این رهبری در واقع بخش آگاه توده‌های کارگر، معلم و دانشجو و زن از پایین است. بویژه طیف وصف وسیع تری از فعالین در میان این بخش‌ها جلو آمده اند که هر کدام بخشی از توده‌های مربوط را همراه خود دارند. این طیف که در اساس بسیج کننده ی توده‌های بیشتری از همکاران خود هستند و هیچ ایرادی ندارد که در هیات مدیره‌ها نیستند، چرا که بطور واقعی اساسا محرک و تصمیم گیرنده این طیف هستند. بدون اینها اعتصاب کارگری یا تحصن معلمان یا تجمع دانشجویان و غیره ممکن نیست.

این خودآگاهی، در دل یک مبارزه طبقاتی طولانی مدت، رشد کرده و می

زنده باد سوسیالیسم

مرکز بر جمهوری اسلامی

نشریه هفتگی

حزب حکمتیست (خط رسمی)

www.hekmatist.com

سرمدبیر: آذر مدرسی
azar.moda@gmail.com

تلگرام حزب
[@HekmatistXateRasmi](https://t.me/HekmatistXateRasmi)

رادیو نینا
www.radioneena.com

تلگرام رادیو نینا
[@Radionenna](https://t.me/Radionenna)

اینستا گرام رادیو نینا
<https://www.instagram.com/radioneena/>

تماس با حزب
دبیرخانه حزب: هساره ابراهیمی
hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی
azar.moda@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا
aman.kafa@gmail.com

دبیر دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی
mozafar.mohamadi@gmail.com

سایت آرشیو
آثار منصور حکمت

hekmat.public-archive.net



گزارش تجمع اعتراضی لندن برای آزادی کارگران و زندانیان سیاسی

روز شنبه هشتم ماه ژوئن به فراخوان کمپین برای دفاع از زندانیان سیاسی، دو تجمع و راهپیمایی در اعتراض به تداوم بازداشت اسماعیل بخشی، سپیده قلیان، اعضای نشریه گام (امیر حسین محمدی فرد، ساناز اللهیاری، امیر امیر قلی)، فعالین کارگری تجمع روز جهانی کارگر در ایران و سایر زندانیان سیاسی در لندن برگزار گردید.

تجمع اول مقابل بانک ملی دومین تجمع هم مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی در لندن برگزار شد. معترضین پس از یک ساعت تجمع در مقابل بانک ملی به طرف کنسولگری جمهوری اسلامی دست به راهپیمایی زده و با شعارهای خود علیه سرکوب کارگران و خواست آزادی کارگران زندانی توجه مردم و عابریین را به خود جلب کردند. شرکت کنندگان در مسیر راهپیمایی با علاقمندان در مورد اوضاع ایران، وضعیت طبقه کارگر در ایران و اعتراضات کارگری و دستگیری های وسیع گفتگو میکردند.

در این تجمع ضمن اعتراض به ادامه بازداشت های فعالین هفت تبه و شرکت کنندگان در روز جهانی کارگر، معترضان خواستار آزادی بی قید و شرط تمامی کارگران بازداشتی و همچنین فعالین عرضه های زنان، معلمان، دانشجویان، کودکان، محیط زیست و سایر زندانیان سیاسی شدند.

تعدادی از شرکت کنندگان در اعتراض به جنایات جمهوری اسلامی در قبال کارگران و زندانیان سیاسی، کنسولگری را مورد حمله قرار دادند.

نمایندگان حزب آزادی کارگران بریتانیا از این تجمعات حمایت کردند.

در پایان، تجمع کنندگان ضمن ابراز نگرانی نسبت به وضعیت کارگران و فعالین بازداشتی هفت تبه و نشریه گام و همچنین سایر کارگران و زندانیان سیاسی اعلام کردند که تجمعات اعتراضی و ملاقات با اتحادیه های کارگری، جلب حمایت های بیشتر از مبارزه کارگران و مردم محروم و تلاش برای آزادی زندانیان سیاسی را ادامه خواهند داد.

تشکیلات لندن حزب حکمتیست (خط رسمی) در ادامه تلاشهای خود برای رساندن صدای اعتراض طبقه کارگر و مردم محروم به گوش مردم، فعالانه در این تجمع و راهپیمایی شرکت داشت.

تشکیلات لندن حزب ضمن قدردانی از همه شرکت کنندگان در این تجمع همه ایرانیان آزادیخواه را به حضور فعال در این اعتراضات، در جلب حمایت از مبارزه مردم در ایران برای آزادی و رفاه، فشار به جمهوری اسلامی و برای آزادی زندانیان سیاسی دعوت میکند.

تشکیلات لندن حزب حکمتیست (خط رسمی)

۸ ژوئن ۲۰۱۹

مردم در شوراهای مستقل و مردمی خود متحد و متشکل شوید!